

A Taxnometical Analysis of Motion Events in Qur’anic Verbs: A Cognitive Approach

Jamal Farzandvahy^{a*}, Abdollah Gholami^b, Yadollah Feizi Pirani^c, Elnaz Geravandi^d

^a Assistant Professor of Qur’an and Hadith, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran

^b Assistant Professor of Qur’an and Hadith, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran

^c MA Student of Qur’an and Hadith, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran

^d MA Student of Qur’an and Hadith, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran

KEYWORDS

cognitive taxonomy,
motion verbs, force
dynamics, verb-framed,
satellite-framed

Received: 08 August 2022;
Accepted: 08 December 2022

Article type: Research Paper
DOR: 20.1001.1.23452234.1401.10.2.1.2

ABSTRACT

Motion events are concepts that occur in the world outside the mind and are often conceptualized by verbs. These events are coded in different ways in different languages. Diversity in the encoding of motion events causes the taxonomic division of languages. This research was carried out based on the representation of the semantic concepts of motion events in the Qur’anic verbs, in order to determine whether the motion events, according to what Talmy (2007) claims, are also true in relation to the Qur’anic verbs or not? In the Holy Qur’an, different types of verbs of motion are used to conceptualize abstract matters such as reward, punishment, reckoning, remembrance, etc. These concepts are sometimes expressed through modal verbs in which the path is conceptualized through the function, and sometimes the path is lexicalized in the verb itself. Satellites in the language of the Qur’an are usually expressed in the form of constructions such as prepositions or other semantic constructions related to the verb. Based on Talmy’s cognitive approach, languages are divided into two groups of verb-framed and satellite-framed. In the first group, events related to force dynamics such as path, manner and cause are represented through the verb, and in the second group, they are represented in the form of an orbit around the root of the verb and through the function. The results of this research showed that the taxonomy of Qur’anic verbs is on a continuum of verb-based/satellite-framed, with an inclination of the verbs towards being satellite-framed.

* Corresponding author.

E-mail address: farzandwahy@yahoo.com

2022 Published by Arak University Press. All rights reserved.





تحلیل رده‌شناختی رویدادهای حرکتی در افعال زبان قرآن - رویکردی شناختی

جمال فرزندوحی^{الف*}، عبدالله غلامی^ب، یدالله فیضی پیرانی^ج، الناز گراوندی^د

^{الف} استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

^ب استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

^ج دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

^د دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

| واژگان کلیدی | چکیده |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <p>رده‌شناسی شناختی، رویدادهای حرکتی، پویایی نیرو، فعل بنیاد، تابع بنیاد</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۷ مقاله علمی پژوهشی</p> | <p>رویدادهای حرکتی مفاهیمی هستند که در جهان خارج از ذهن رخ می‌دهند و غالباً به وسیله افعال، مفهوم‌سازی می‌شوند. این رویدادها در زبان‌های مختلف به شکل‌های گوناگون رمزگذاری می‌شوند. تنوع در نحوه رمزگذاری رویدادهای حرکتی، سبب تقسیم‌بندی رده‌شناختی زبان‌ها می‌گردد. این پژوهش بر مبنای بازنمایی مفاهیم معنایی رویدادهای حرکتی در افعال زبان قرآن انجام گرفت تا مشخص شود که آیا رویدادهای حرکتی مطابق آنچه تالمی (۲۰۰۷) ادعا می‌کند، در رابطه با افعال زبان قرآن نیز صادق است یا خیر؟ در قرآن کریم انواع مختلف افعال حرکتی به منظور مفهوم‌سازی امور انتزاعی مثل پاداش، عذاب، حساب، ذکر استفاده شده است. این مفاهیم گاهی از طریق افعال حرکتی شیوه‌نما بیان می‌شود که مسیر در آن‌ها از طریق تابع، مفهوم‌سازی شده است و گاهی مسیر در خود فعل واژگانی شده است. تابع در زبان قرآن معمولاً در قالب سازه‌هایی همچون حروف جر یا سایر سازه‌های معنایی مرتبط با فعل بیان می‌شوند. براساس رویکرد شناختی تالمی، زبان‌ها به دو گروه «فعل بنیاد» و «تابع بنیاد» تقسیم می‌شوند. در گروه اول رویدادهای مربوط به پویایی نیرو، همچون مسیر، شیوه و سبب از طریق فعل و در گروه دوم، در قالب مداری بر حول ریشه فعل و از طریق تابع بازنمایی می‌شوند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که رده‌شناسی افعال زبان قرآن بر روی پیوستاری (فعل بنیاد/تابع بنیاد) قرار دارد که به سمت تابع بنیاد بودن گرایش بیشتری دارند.</p> |

۱. مقدمه

رده‌شناسی شناختی، یکی از نگرش‌های جدید زبان‌شناسی است که از دل زبان‌شناسی شناختی به وجود آمده و تمرکز اصلی آن بر اصول مفهومی، تجربه و ادراک است. در این رویکرد به بررسی روابط نظام‌مند زبانی بین معنا و روستاخت پرداخته می‌شود و توجه به صورت و نقش، مطابق نظر تالمی^۱ (۲۰۰۷)، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به عبارتی دیگر، همچون دو روی یک سکه‌اند. روابط بین معنا و صورت همیشه یک به یک نیست، ممکن است گاهی یک صورت برای بیان چندین مفهوم به کار رود یا مجموعه‌ای از عوامل صوری بیانگر یک معنا باشند. بر این اساس،

^۱Talmy

تالمی (۲۰۰۰ الف و ب)، زبان‌ها را از حیث بازنمود مفاهیم معنایی در رویدادهای حرکتی^۲ و چگونگی عملکرد دستگاه فعل، به دو دسته زبان‌های «تابع‌بنیاد»^۳ و «فعل‌بنیاد»^۴ تقسیم می‌کند. مبنای این تقسیم‌بندی توجه به چگونگی بازنمود مفاهیم معنایی مربوطه به رویدادهای حرکتی در دستگاه فعل می‌باشد. اگر این رویدادها از طریق خود فعل بازنمایی شوند، زبان در گروه فعل‌بنیاد و چنانچه مفاهیم معنایی بر روی یکی از وابستگان فعل، یعنی بر روی تابع انباشت شوند، زبان تابع‌بنیاد می‌باشد.

رویداد حرکت عبارت است از شیء در حال حرکت یا ایستا (پیکر) با توجه به شیء دیگر (زمینه). از نگاه تالمی (۲۰۰۷: ۱۵۳)، "رویداد حرکت چهار جزء اصلی دارد: پیکر، زمینه، مسیر و جزء حرکت. مسیر جهتی است که پیکر با توجه به زمینه می‌پیماید یا اشغال می‌کند. مفهوم مسیر، عنصر اصلی در تعیین جایگاه رده‌شناسی زبان‌هاست. چنانچه عنصر مسیر بیشتر بر روی فعل انباشت کند، آن زبان فعل‌بنیاد، و اگر بر روی تابع انباشت کند، آن زبان تابع‌بنیاد خواهد بود". جزء حرکت به رویداد حرکت یا قرار گرفتن در یک مکان اشاره دارد. علاوه بر این چهار عنصر درونی، رویدادهای حرکتی می‌توانند تداعی‌گر یک نوع رویداد دیگر نیز باشند که حامل «شیوه و سبب حرکت» است و هم‌رویداد^۵ نامیده می‌شود.

در این پژوهش سعی بر آن است تا با مطالعه وجوه مختلف معنایی در افعال حرکتی در زبان قرآن از حیث شیوه و مفهوم حرکت، مورد ارزیابی قرار گیرد تا مشخص شود آیا اصول نظری رده‌شناسی شناختی تالمی در رابطه با رویدادهای حرکتی در زبان قرآن نیز پاسخگو می‌باشد؟ اگر جواب مثبت است زبان قرآن در کدام گروه از زبان‌های فعل‌بنیاد / تابع-بنیاد مطابق ادعای تالمی قرار می‌گیرد؟ دیگر اینکه الگوهای به‌کاررفته در رویدادهای حرکتی در زبان قرآن از چه نوعی خواهد بود؟ از انواع الگوهای مطرح در رویدادهای حرکتی می‌توان به الگوهای همچون (حرکت+شیوه) و (حرکت+مسیر) اشاره نمود.

۲. مبانی نظری

رده‌شناسی شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که به بررسی شباهت‌های میان زبان‌های مختلف دنیا بدون در نظر گرفتن پیشینه تاریخی آن‌ها می‌پردازد تا بر اساس آن، بتواند زبان‌ها را رده‌بندی نماید. رده‌شناسی شناختی، یکی از نگرش‌های غالب در زبان‌شناسی است که بر مبنای زبان‌شناسی شناختی شکل گرفت. نقطه اتکای این رویکرد، تمرکز بر مفاهیم، تجربه و ادراک است. نخستین آثار مطالعات رده‌شناسی شناختی، به باور شاه‌حسینی (۱۳۹۶) به آثار تراگوت^۶ (۱۹۷۴) باز می‌گردد. پس از آن سایر اندیشمندان شناختی این رویکرد را توسعه بخشیدند.

این رویکرد شناختی، به دنبال آن است که جهانی‌ها و تفاوت‌های موجود در بازنمایی مفاهیم، مقوله‌ها، تجربه‌ها و موارد دیگر در زبان‌های دنیا را بررسی نماید. به باور کرافت^۷ و کروز^۸ (۲۰۰۳: ۲)، مفهوم‌سازی و به عبارتی، بازنمایی

^۲ Movement event

^۳ Satellite-framed

^۴ Verb-framed

^۵ Co-event

^۶ D. A. Cruse

^۷ E. C. Traugott

مفاهیم معنایی یکی از مهمترین ویژگی‌ها و استعدادهای شناختی نوع انسان است که بر اساس دانش زبانی فرد صورت می‌گیرد. یکی از مهمترین مفاهیم، مفهوم‌سازی تجارب گوناگون در زندگی انسان است. بر این مبنا، زبان به عنوان بازتابی از شناخت معرفی می‌گردد. برای بازنمایی مفاهیم معنایی و چگونگی انعکاس مفاهیم ذهنی در قالب واحدهای نمادین، حروف، کلمات و جملات از رویدادهای حرکتی استفاده می‌شود. رویدادهای حرکتی، بخشی از نظریه شناختی در مطالعات زبان است که از سوی تالمی معرفی شد. در واقع می‌توان گفت مفاهیم حرکتی به دلیل بنیادین بودن تجربه حرکت در انسان، موضوع بسیاری از مطالعات شناختی گردیده است.

در رده‌شناسی، به طور عام و در رویکرد شناختی به طور خاص، به بررسی روابط نظام‌مند زبانی بین معنا و روستاخت پرداخته می‌شود. بر اساس نظریات تالمی (۲۰۰۰ الف و ب)، زبان‌ها از حیث بازنمود مفاهیم معنایی در رویدادهای حرکتی و چگونگی عملکرد دستگاه فعل، به دو دسته زبان‌های تابع‌بنیاد / فعل‌بنیاد تقسیم می‌شوند. این تقسیم‌بندی بر این اساس شکل گرفته است که اجزای مختلف یک رویداد حرکتی در کدام یک از عناصر زبانی بازنمود می‌یابد. آیا رویدادهای مربوط به دستگاه فعل همچون: حرکت، جهت، وجه و ... در خود فعل بازنمود می‌یابند یا در اجزای تابع آن همچون پیشوند، پسوند، یا جزء فعلی وابسته به فعل؟

در زبان‌انگلیسی که به عنوان زبانی تابع‌بنیاد شناخته می‌شود، حرکت، مسیر و غیره از طریق تابع‌های همچون (up, down, into, of, etc.) بیان می‌شوند. جزء تابع، در این دسته از زبان‌ها نقش محوری را بر عهده دارد. اما در زبانی مثل ترکی، که از دسته زبان‌های پیوندی^۸ است، مسیر حرکت از طریق خود فعل اصلی بیان می‌شود. به عبارتی دیگر، ترکی زبانی فعل‌بنیاد است. برای نمونه *girmek* به معنی «وارد شدن» در مقابل *çikmak* یعنی «خارج شدن» از طریق خود فعل اصلی بیان می‌شود. از جمله مطالب مهم در این نظریه، آشنایی با انواع حرکات در رویدادهای فعلی، تابع و نقش آن در رویدادهای حرکتی، مطالعه و بررسی انواع الگوهای اصلی در این رویکرد می‌باشد.

۱.۲. حرکت وضعی یا انتقالی

پژوهشگران حوزه شناختی، اطلاعات مربوط به مفاهیم معنایی در رویدادهای حرکتی را از طریق دو نوع فعل مسیرنما و شیوه‌نما بازنمایی می‌کنند. اطلاعات مربوط به دو شیوه حرکت فعل، یعنی وضعی^۹ و انتقالی^{۱۰} را می‌توان با استناد به نظر اسلوبین (۲۰۰۴) و فرز (۲۰۰۸) بدین صورت بیان نمود:

در حرکت انتقالی، جای اصلی پیکر از یک نقطه به نقطه دیگری تغییر می‌کند؛ اما در حرکت وضعی، جابجایی صورت نمی‌گیرد، بلکه شیء مکان خود را حفظ نموده، در محدوده مکانی خود دچار حرکت می‌شود. حرکت وضعی، بنا به نظر تالمی (۲۰۰۰: ب: ۳۵)، شامل چرخش^{۱۲}، نوسان^{۱۳}، انبساط و انقباض^{۱۴}، تکان^{۱۵}، پرسه در یک مکان^{۱۶} یا

^۸ W. Croft

^۹ agglutinative

^{۱۰} self-contained motion

^{۱۱} translational motion

^{۱۲} rotation

^{۱۳} oscillation

^{۱۴} dilation

^{۱۵} wiggle

^{۱۶} Local wander

سکون^{۱۷} است. به نمونه‌های زیر در آیات قرآن توجه نمایید:

۱- قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ^{۱۸} (حرکت انتقالی).

۲- وَ نَذَرْنَاهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ^{۱۹} (حرکت وضعی).

همچنان که در مثال اول ملاحظه می‌کنید، «سیروا» و افعالی همچون «مشی، سعی، جاء، ذهب، صعِد، نزل» با مشتقات آن‌ها که به نوعی جابجایی و تغییر مکان از حیث حرکات افقی، عمودی (صعودی یا نزولی) اشاره دارند، بیانگر حرکت انتقالی می‌باشند. در نمونه دوم، فعل «یعمهون» و افعالی همچون «طاف، احاط، یترددون، یتیهون، دحی، حاق» و مشتقات آن‌ها که بیانگر حرکات چرخشی، نوسانی، دورانی، بسط و قبض، جهشی و غیره باشند از دسته حرکات وضعی به‌شمار می‌روند.

با توجه به مثال‌های فوق در رابطه با افعال زبان قرآن، چنین فرض می‌شود که در این زبان از هر دو نوع فعل (شیوه‌نما و مسیرنما)، برای بیان رویدادهای حرکتی استفاده می‌شود. برخی از اطلاعات مربوط به شیوه حرکت در فعل‌های حاوی حرکت انتقالی و برخی دیگر در فعل‌های وضعی بازنمایی می‌شوند که حاصل آن‌ها فعل‌های شیوه‌نماست. حال شایسته است بر اساس داده‌های بیشتر، این فرضیه از حیث اثبات یا رد مورد ارزیابی قرار گیرد.

۲.۲. تابع

تابع از نگاه تالمی (۲۰۰۷: ۱۳۹)، مقوله‌ای است دستوری که شامل هر سازه، غیر از متمم گروه اسمی یا گروه حرف اضافه‌ای همراه فعل می‌باشد که با ریشه فعل رابطه خواهی دارد. همچنین می‌تواند به صورت یک وند مقید یا یک واژه آزاد باشد. تابع برخلاف اسم، فعل و سایر مقولات دستوری باز، یک مقوله دستوری بسته است. تابع اصطلاحی پوششی است که تمامی مقولاتی که در دستور سنتی به صورت مجزا از هم بررسی می‌شدند، در برمی‌گیرد. بر این اساس تابع شامل:

الف) جزء قیدی در زبان انگلیسی^{۲۰}

ب) پیشوندهای فعلی جداشدنی و جدانشدنی در زبان آلمانی^{۲۱}

ج) فعل‌های چندکاره که غیر هسته هستند در زبان لاهو^{۲۲}

د) متمم‌های فعلی در زبان چینی^{۲۳}

ه) اسم‌های انضمامی در زبان کادو^{۲۴}

و) وندهای چند ترکیبی زبان آتسوگوی^{۲۵} که در اطراف ریشه فعلی حضور دارند.

¹⁷ rest

¹⁸ بگو در زمین بگردید پس با تأمل بنگرید که سرانجام گنه‌کاران چگونه بود؟ «نمل، ۶۹»

¹⁹ آنان را در طغیانیشان رها می‌کنیم تا پیوسته سرگردان باشند «انعام، ۱۱۰»

²⁰ English verb particles

²¹ German separable and inseparable verb prefixes

²² lahu nonhead versatile verbs

²³ Chinese verb complements

²⁴ Caddo incorporated nouns

²⁵ Atsugevi polysynthetic affixes and verb root

بر این اساس، سازه‌هایی همچون حروف جر، وندهای اشتقاقی یا تصریفی که به ریشه فعل افزوده می‌شوند و سبب تغییر معنایی یا تغییر در جایگاه صرفی یا نحوی کلمات می‌شوند، از انواع تابع در زبان عربی و قرآن به‌شمار می‌روند. از آن دسته توابع می‌توان به افزودن حروف زائد در ساخت باب‌هایی همچون افزودن حرف «أ» در وزن افعال یا افزودن پیشوندهایی همچون «س» و «ف» به کلماتی مثل «جَدَّ و جَرَّ» و تبدیل آن‌ها به «سَجَدَّ» و «سَجَرَّ» اشاره کرد. لذا مفهوم‌سازی رویدادهای حرکتی مربوط به امور انتزاعی مثل رحمت، حساب، ذکر، یوم یا توصیف امور عینی و فیزیکی، جهت انباشت مفاهیم معنایی مسیر یا شیوه حرکت، بر روی خود افعالی از طریق توابعی همچون حروف جر «من، الی، عن، ...» در تابع یا فعل واژگانی می‌شوند.

۱.۲.۲. معیارهای تشخیص تابع

در رویکرد شناختی، روش‌های زیر برای تشخیص تابع از سایر سازه‌ها، بویژه از حروف اضافه پیشنهاد شده است. جهت مطالعه بیشتر در این زمینه به آرا و نظریات تالمی (۲۰۰۷: ۱۴۳-۱۴۴) مراجعه شود.

۱- عضوهای دو طبقه (حروف اضافه/تابع) کاملاً یکسان نیستند. صورت‌هایی وجود دارند که فقط در یکی از دو مقوله جای می‌گیرند. در زبان انگلیسی صورت‌های (together, apart, away, back, etc.) تابع هستند و نقش حرف اضافه نمی‌گیرند. در حالی که صورت‌های (of, at, from, toward) حروف اضافه هستند و نقش تابع نمی‌پذیرند. در این میان دسته سومی نیز وجود دارد که در هر دو نقش به‌کار می‌روند، در هر یک از نقش‌ها، معانی متفاوتی دارند؛ به مثال‌های زیر توجه نمایید:

1. I stayed in that hotel.

2. I ran in. (Talmy 1985:104) .

نقش in در نمونه (۱) به عنوان حرف اضافه، بانمونه (۲) که به عنوان تابع به‌کار رفته است، متفاوت است. در نمونه (۲)، مفهوم مسیر حرکت از طریق تابع بازنمایی می‌شود.

۲- در ساخت ترکیبات گروهی، تابع همراه فعل، اما حروف اضافه همراه یک گروه اسمی به‌کار می‌روند. برای نمونه، می‌توان به گروه اسمی زمینه^{۲۶} اشاره کرد که هرگاه این گروه حذف شود، حرف اضافه همراه آن نیز حذف می‌شود.

3. He suddenly ran out (of) it.

در این مثال، با حذف ضمیر it، حرف اضافه of نیز حذف می‌شود. اما تابع out که متعلق به گروه فعلی است، باقی می‌ماند.

۳- در رابطه با جایگاه ساختاری در جمله، حروف اضافه قبل از گروه اسمی می‌آیند، مانند (in that hotel)، اما تابع خصوصیات پیچیده‌تری دارد:

الف) اگر در جمله حروف اضافه موجود باشد، تابع قبل از آن می‌آید، مانند (out) در نمونه (۳) .

ب) اگر در جمله حروف اضافه‌ای نباشد، تابع می‌تواند قبل یا بعد از گروه اسمی بیاید؛

4. He took the plane off / (off the plane) .

ج) اگر در جمله‌ای حروف اضافه نباشد و مفعول به صورت ضمیر آمده باشد، تابع بعد از ضمیر به‌کار می‌رود.

²⁶. ground nominal

5. He took it off.

۳. پیشینه پژوهش

پس از مطرح شدن نظریه شناختی تالمی، پژوهش‌های مختلفی جهت محک زدن این رویکرد ارائه گردید. سهم محققان حوزه علوم قرآن و حدیث در این زمینه چندان قابل توجه به نظر نمی‌رسد و غیر از ارائه چند کار پژوهشی پراکنده و تقریباً سطحی، آثار علمی معتبری در این راستا به چشم نمی‌خورد.

برمن و اسلوبین (۱۹۹۴)، طی مطالعاتی چند از زبان‌های مختلف با تفاوت‌های فاحش رده‌شناختی به این نتیجه رسیدند که در زبان‌های تابع‌بنیاد، توصیف رویداد حرکت با جزئیات مسیر در یک بند امکان‌پذیر است و این موضوع از طریق یک فعل یا یک حرف اضافه در نحو نیز امکان‌پذیر است. از نگاه آن‌ها، در زبان‌های فعل‌بنیاد، توصیف مسیر در رویداد حرکت از طریق یک فعل به تنهایی روی می‌دهد. آن‌ها (همان: ۱۱۸-۱۱۹) پس از بررسی و مقایسه چند نمونه رویداد حرکت در زبان‌هایی مانند انگلیسی و آلمانی، متوجه شدند که هر دو روش برای توصیف مسیر حرکت در داستان‌های مورد نظر آن‌ها وجود دارد. ولی در زبان‌هایی نظیر ترکی، عبری و اسپانیایی، فعل‌ها آن پویایی را ندارند. بنابراین، زبان‌هایی مانند انگلیسی از تنوع الگویی بیشتری برخوردارند.

تای^{۲۷} و سو^{۲۸} (۲۰۱۳) به بررسی و مطالعه نحوه رمزگذاری رویدادهای حرکتی در زبان اشاره تایوانی و چینی ماندن پرداختند. آن‌ها در این تحقیق متوجه شدند که گویشوران زبان چینی ماندن، برای بیان رویداد حرکت و شیوه مفهوم‌سازی در افعال این زبان، از میان الگوهای شناخته شده در نظریه رویداد حرکت تالمی، فقط از چهار الگو استفاده می‌کنند، در حالی که گویشوران تایوانی از پنج الگو برای بیان رویدادهای حرکتی استفاده نموده و مفاهیم معنایی بر این اساس در این زبان رمزگذاری می‌شود.

واعظی و دیگران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «بازنمود مفاهیم معنای در افعال حرکتی زبان ترکی آذری بر اساس نظریه تالمی»، ۱۶۰ فعل حرکتی (اعم از ساده و مرکب) را در زبان ترکی آذری مورد بررسی و تحلیل قرار دادند. آن‌ها مشاهده نمودند که در بسیاری از افعال حرکتی این زبان، عناصر حرکتی از طریق خود فعل محقق می‌گردد. در دیگر افعال (به‌ویژه فعل‌های مرکب)، نمود، مسیر و شیوه از طریق وابسته فعلی در حاشیه آن صورت می‌گیرد. آن‌ها نهایتاً به این نتیجه رسیدند که زبان ترکی، به رغم پیش‌بینی بعضی از پژوهشگران که معتقدند زبان ترکی از دسته فعل-قالب هست؛ در حال حاضر، خصوصاً در رابطه با فعل‌های مرکب تحت تأثیر زبان فارسی تغییراتی داشته و ویژگی‌های هر دو دسته؛ یعنی فعل‌بنیاد و تابع‌بنیاد را دارد؛ از این رو، زبان ترکی بر روی پیوستاری میان زبان‌های فعل‌بنیاد و تابع-بنیاد قرار دارد.

در رابطه با نقش عناصر تاریخی، فرهنگی یا اجتماعی در نحوه بازنمود مفاهیم معنایی در افعال حرکتی در زبان فارسی از نگاه شناختی، پاکتچی (۱۳۹۵) به نقش و جایگاه این عناصر در رده‌بندی زبان‌ها اشاره نموده و تلاش می‌کند با رویکرد فرهنگی و تاریخی به این موضوع بپردازد. بر این اساس، افعال حرکتی زبان فارسی و نحوه بازنمود مفاهیم معنایی آن را از دیدگاه رویکرد دوگانه، فعل‌بنیاد/تابع‌بنیاد تالمی، مورد مطالعه قرار داده است. وی معتقد است

²⁷Tai

²⁸Su

در رویکرد فرهنگی، صورت‌های زبانی در بافت مورد تحلیل قرار می‌گیرند و در رویکرد تاریخی، تغییر و تحولات ساخت‌های زبانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. او سرانجام نتیجه می‌گیرد که اعتقاد به دو شقی بودن زبان‌ها نسبی است و جداسازی‌ها در الگوی پیشنهادی تالمی نسبی است، لذا رده‌بندی بر یک پیوستار دو بعدی قرار می‌گیرد. مسگرخویی (۱۳۹۲) در پژوهشی زبان‌شناختی به بررسی رویدادهای حرکتی در افعال زبان فارسی پرداخته است. وی پس از تحلیل ۱۴۸ فعل مسیرنمای فارسی، به این نتیجه می‌رسد که این افعال ۱۴ نوع مسیر را در خود بازنمایی می‌کنند که حاصل آن‌ها فعل‌های مسیرنما می‌باشد. او مدعی است که برخی از این مسیرها مانند «دور از زمینه» از بسامد بالاتری برخوردارند. وی (۱۳۹۴) در تحقیق دیگری به بررسی رویداد حرکت و چگونگی بازنمایی مفاهیم معنایی شیوه در فعل‌های زبان فارسی می‌پردازد و اطلاعات شیوه را در دو نوع فعل (خودمتکی و انتقالی) با استناد به نظر اسلوبین (۲۰۰۰) و فریز (۲۰۰۸) مورد مطالعه قرار می‌دهد. از نگاه وی، برخی از اطلاعات شیوه در فعل‌های حاوی حرکت انتقالی و برخی دیگر در فعل‌های خودمتکی بازنمایی می‌شوند، که حاصل آن‌ها فعل‌های شیوه‌نما است. او معتقد است زبان فارسی تا حدود زیادی به طور مشابه از هر دو نوع فعل (شیوه‌نما و مسیرنما) برای بیان رویدادهای حرکتی استفاده می‌کند.

سیدان (۱۳۹۷) به بررسی و تحلیل شناختی افعال عرفانی در متن شطحیات روزبهان پرداخته است. وی معتقد است افعال حرکتی در این اثر بیانگر «شور، وجد و نوای عارفانه» است که به صورت‌های مختلفی در متن نمود می‌یابند. هر فعل به انضمام معانی مختلف خود مقوله‌ای معنایی تشکیل می‌دهد. بخشی از افعال به کاررفته در شطحیات عرفانی، بر نوعی حرکت و به تعبیر دیگر سیر درونی دلالت می‌کند. این دسته از افعال که در این پژوهش با عنوان افعال حرکتی از آن‌ها یاد می‌شود، نمایانگر شور و وجد و حرکت درونی و نیز سیر عارفانه است. تجربه‌های عرفانی، ساخت‌هایی را در ذهن ما به وجود می‌آورد، این ساخت‌ها از طریق زبان در قالب رویدادهایی منتقل می‌شود. دایره واژگان حرکتی در بسیاری از موارد در حوزه مفاهیم عینی و مادی به حوزه‌های انتزاعی منتقل می‌شود و به این ترتیب برای ترسیم سیری درونی به کار می‌رود.

سیدان در این پژوهش، طرح‌واره حرکتی را به صورت‌های مختلفی ترسیم نموده است. وی (همان: ۱۱۶) ادعا می‌کند "این حرکت چنان‌که روزبهان آشکارا به آن اشاره می‌کند، حرکتی باطنی و درونی است". از نگاه سیدان، مهمترین معانی ترکیبات سیرو سفرکردن عبارت است از: مشغول بودن و پرداختن به چیزی، ترک کردن، ارتقای مرتبه و دستیابی به شناخت و معرفت. تأمل در معانی مختلف این ترکیب نشان می‌دهد که میان همه این معانی ارتباط زنجیره‌ای برقرار است. به نمودار زیر که به نحوه بازنمایی حرکت در مراحل سیر عرفانی از نگاه سیدان (۱۳۹۷: ۱۱۹) می‌پردازد، توجه نمایید:

ترک تعلق کردن << پرداختن به چیزی << ارتقاء مرتبه << شناخت و معرفت

میرخالق داد و حسومی (۱۳۹۸ و ۱۳۹۷) طی چند پژوهش به بررسی برخی از جنبه‌های افعال حرکتی بر مبنای حروف جر پرداخته‌اند. آن‌ها با استفاده از طرح‌واره‌ها و الگوهای شناختی به ترسیم جنبه‌هایی از رویدادهای حرکتی در آیاتی چند از قرآن پرداخته و سعی داشته‌اند مفهوم رویدادهای حرکتی را بر اساس نظریه معنی‌شناسی شناختی تالمی، در قالب حروف جر تشریح نمایند.

حال در این پژوهش سعی بر آن است تا با بررسی افعال حرکتی در آیات قرآن کریم بر مبنای رویکرد شناختی تالمی، به نوع الگوهای موجود در این رویدادها پی برده و اینداعای تالمی را مبنی بر دو شقی بودن زبان‌ها از حیث فعل-بنیاد/تابع بنیاد بودن مورد ارزیابی قرار دهد تا مشخص شود که آیا این رویکرد در رابطه با افعال زبان قرآن نیز پاسخگو می‌باشد؟ در صورت پاسخگو بودن این رویکرد، زبان قرآن در کدام شق از دسته‌بندی مورد نظر تالمی قرار می‌گیرد؟ دیگر اینکه مهمترین الگو در رابطه با معرفی رویدادهای حرکتی در افعال زبان قرآن، به کدام یک از الگوهای رده‌شناسی مد نظر تالمی مربوط می‌باشد؟

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

قبل از بررسی، مرور دو مطلب لازم است. نخست اینکه در این پژوهش، تنها رویدادهایی که بیانگر نوعی حرکت (وضعی یا انتقالی) باشند، مورد مطالعه قرار می‌گیرند، دوم اینکه مبنای بررسی صرفاً فعل‌هایی هستند که در زبان قرآن کاربرد دارند، نه همه افعال دستور زبان عربی. لازم به ذکر است در این پژوهش، از هر دو نوع فعل (عینی یا انتزاعی) برای بررسی رویدادهای حرکتی استفاده شده است تا بتوان از طریق بازنمایی مفاهیم معنایی این افعال، به نوع الگوهای موجود در افعال زبان قرآن و نوع دسته‌بندی: فعل بنیاد/تابع بنیاد بودن این زبان پی برد.

۱.۴. رویداد حرکت و الگوهای آن در زبان قرآن

رویداد حرکت مطابق نظر تالمی (۲۰۰۰: ۲۵) عبارت است از: "شیء در حال حرکت یا ایستا (پیکر) با توجه به شیء دیگر (زمینه)". همان طوری که در مقدمه اشاره شد، رویدادهای حرکتی علاوه بر چهار عنصر درونی: پیکر، زمینه، مسیر و جزء حرکت؛ می‌توانند تداعی گر یک رویداد دیگر نیز باشند که حامل شیوه و سبب حرکت است و هم-رویداد نامیده می‌شود. خلاصه اینکه رویدادهای حرکتی دارای شش عنصر مفهومی (حرکت، پیکر، زمینه، مسیر، شیوه و سبب) می‌باشد که از طریق عناصر روساختی همچون فعل، حروف اضافه، بندهای پیرو، تابع و مانند این‌ها بازنمایی می‌شوند. مسیر، جهتی است که پیکر با توجه به زمینه می‌پیماید یا اشغال می‌کند. جزء حرکت، به رخداد حرکت یا قرار گرفتن در یک مکان اشاره دارد. به آیات زیر توجه نمایید:



۱- «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا»^{۲۹}

۲- «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ»^{۳۰}

در این آیات، «کتاب» (قرآن) و «ماء» (آب) پیکر، حروف جر «ألی» و «من» توابعی هستند که به ترتیب مسیر حرکت (از بالا به پایین) و مبدأ حرکت را بازنمایی می‌کنند؛ فعل «أَنْزَلَ» (نازل کردن) نیز به طور همزمان دو مفهوم (حرکت + شیوه) را در خود انباشت نموده است. واژه «السَّمَاءُ» (آسمان) در آیه دوم به وضوح بیانگر پیکر در این رویداد می‌باشد. در این آیات، مبدأ حرکت آسمان و مقصد حرکت ضمیر «کُم» بیانگر رویدادهای حرکتی کامل از نوع نزولی

^{۲۹} اوست که این کتاب آسمانی را که به تفصیل بیان شده است به سوی شما نازل کرد «انعام، ۱۱۴»

^{۳۰} آنچه را که از سوی پروردگارتان نازل شده است، پیروی کنید «اعراف، ۳»

می‌باشد. به نمونه دیگری در این زمینه توجه نمایید:

۳- «وَقَدَّفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ...»^{۳۱}

«فی قلوبهم» زمینه و «قذف» فعل حرکتی شیوه‌نماست که مطابق راغب (۱۴۱۲: ۶۶۱) به معنی «دور انداختن» و بر اساس ابن منظور (۱۴۱۴: ج ۹، ۲۷۷) به معنی «با قدرت و سریع انداختن» است. وصف قذف «به سرعت» در کتب لغت، بیان‌کننده شیوه حرکت است. یعنی حرکت به شیوه‌ای سریع و با اعمال نیرو رخ می‌دهد. واژه «رعب» حامل بار معنایی ترس است. مفهوم ترس از جمله اموری است که قابلیت حرکت واقعی ندارد، بلکه يك امر انتزاعی است، اما در این آیه به صورت يك شیء جسمانی مفهوم‌سازی شده است که می‌تواند با سرعت در زمینه (قلوبهم) پرتاب شود؛ لذا این فعل نوعی عبور از مرز را نشان می‌دهد. تابع «فی» بیان‌کننده مسیری است که رعب می‌پیماید تا در نهایت در ظرف «قلوبهم» قرار گیرد. در اینجا جهت فهم مخاطب از ایجاد ترس در دل‌های آنها از این فعل حرکتی شیوه‌نما استفاده شده است.

در این بخش، جهت فهم بیشتر رویدادهای حرکتی بر اساس رویکرد شناختی، الگوهای سه‌گانه تالمی در رابطه با افعال زبان قرآن مطالعه و بررسی می‌شود.

الف) حرکت + هم‌رویداد

ب) حرکت + مسیر

ج) حرکت + پیکر

الف) الگوی «حرکت + هم‌رویداد (شیوه یا سبب)»

در این الگو، فعل‌هایی قرار می‌گیرند که به طور همزمان بتوانند حرکت را با یکی از مفاهیم شیوه یا سبب در ریشه فعل انباشت نمایند. این الگو خود به دو شکل قابل مطالعه و بررسی است.

الف. ۱) الگوی (حرکت + شیوه)

در این حالت، فعل شیوه حرکت، یعنی روش به وقوع پیوستن یا انجام حرکت را در ریشه فعل به طور همزمان بازنمایی یا انباشت می‌کند. به نمونه‌های زیر در این راستا توجه نمایید:

۱- «وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى...»^{۳۲}

۲- «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ...»^{۳۳}

در مثال اول، فعل «یَسْعَى» به معنای (دویدن) علاوه بر مفهوم حرکت و جابجایی، شیوه انجام این رویداد را بازنمایی می‌کند. به عبارتی دیگر، دویدن شیوه‌ای از «راه رفتن» است. در این نمونه، هر دو مفهوم حرکت و شیوه آن از طریق خود فعل «یسعی» بازنمایی می‌شود. به عبارتی دیگر، این فعل نمونه‌ای از فعل‌بنیاد است. در نمونه دوم، «الیه یصعد» علاوه بر مفهوم حرکت، به شیوه حرکت یعنی «صعود و بالا رفتن» در برابر نزول و پایین آمدن نیز اشاره دارد. به عبارتی دیگر، در این گروه فعلی هم مفهوم حرکت و هم جهت و مسیر از طریق تابع «الی» بازنمایی می‌شود. این فعل از گروه تابع‌بنیاد می‌باشد.

^{۳۱} در دل‌هایشان ترس و بیم افکند «احزاب، ۲۶»

^{۳۲} و مردی از دورترین نقطه شهر شتابان آمد... «قصص، ۲۰»

^{۳۳} حقایق پاک بسوی او بالا می‌رود... «فاطر، ۱۰»

از این دسته افعال قرآنی که همزمان مفهوم حرکت و شیوه آن را انباشت می‌کنند، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: «نزل الیه/کم» و مشتقات آن مثل «نزل، انزل، ينزل»، «صعد الیه/کم» و مشتقان آن، «هبط من/ب» و مشتقات آن مثل «إهبطوا من/ب»، «رفع» و مشتقات آن مثل «نرفع، رفعنا و يرفع»، «سعی» و مشتقاتش مثل «يسعون فی، سعی ل یسعی»، «سیروا فی»، «جری فی» و مشتقات آن مثل «تجری فی، جری، یجری». «سرع» و مشتقات آن مانند «سارعوا الی، یسارعون فی».

افعالی همچون «رفع» یأتی (شکل لازم)، ینفق» که مفهوم حرکت و شیوه را به صورت همزمان در خود فعل انباشت می‌کنند، افعال شیوه‌نمای فعل‌بنیاد می‌نامند. افعالی که مفهوم حرکت بر روی فعل اما سایر جنبه‌های حرکت همچون شیوه، مسیر یا جهت حرکت آن از طریق تابع بازنمایی شوند، تابع‌بنیاد هستند؛ مانند «صعد الی، سارعوا الی، نزل الی» و غیره.

الف. ۲) الگوی (حرکت + سبب)

در این الگو، فعل‌هایی قرار می‌گیرند که بتوانند به طور همزمان مفهوم حرکت و سبب را در ریشه فعل انباشت نمایند. منظور از سبب، همان علت یا هرآن چیزی است که باعث انجام رخداد حرکت می‌شود. افعالی همچون «تَوَفَّى» و مشتقات آن همچون «یتوفون، یتوفی»، «نَشَرَ» و مشتقات آن، «نترک»، «تَبَرَّء»، «بَيَّنَّ» و مشتقات آن همچون «تَبَيَّنَّ، یتَبَيَّنُّ» از این دسته افعال به‌شمار می‌روند. به آیات زیر توجه نمایید:

۱- اللَّهُ يَتَوَفَّى الْإِنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا^{۳۴}...

۲- قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ^{۳۵}

در نمونه (۱)، فعل «یتوفی» (کامل گرفتن روح)، همزمان مفهوم حرکت و سبب را در ریشه خود انباشت نموده است؛ چرا که حرکت «گرفتن روح» سبب فوت شخص می‌شود. این عمل همزمان از طریق یک فعل بازنمایی می‌شود. در نمونه (۲) فعل «بَيَّنَّا» (آشکار کردن)، همزمان مفهوم حرکت و سبب آن یعنی روشنگری از طریق یک فعل بیان شده است. به نتیجه این روشنگری نیز در دنباله آیه اشاره شده است: «تا ببیندیشید».

ب) الگوی (حرکت + مسیر)

در این الگو، به نقش و اهمیت جایگاه مسیر به عنوان یکی از عناصر اصلی در تعیین رده‌شناسی زبان‌ها تأکید می‌شود. چنانچه عنصر مسیر بیشتر بر روی خود فعل انباشت کند، آن زبان فعل‌بنیاد، و اگر بازنمایی مفهوم مسیر از طریق تابع رخ دهد، آن زبان تابع‌بنیاد خواهد بود. به نحوه عملکرد این الگو در بازنمایی مفهوم مسیر در افعال قرآنی توجه نمایید:

ب. ۱) انباشت مفهوم مسیر حرکت در ریشه فعل

از میان افعال قرآنی، تعدادی از فعل‌های حرکتی ساده یا غیرساده وجود دارند که مفهوم مسیر حرکت بر روی خود آن‌ها انباشت می‌شود. از آن دسته افعال می‌توان به «تَبِعَ» و مشتقات آن مثل «یتبع و تتبع»، «جاء»، «أرسل» و مشتقات آن، «ذهب»، «نزل»، «صعد»، «هبط»، «قرب» و مشتقات آن مثل «تقربوا، تقربا» اشاره نمود. به آیات زیر توجه نمایید:

^{۳۴} و خداست که روح را هنگام مرگشان به طور کامل می‌گیرد... «زمر، ۴۲»

^{۳۵} همانا که ما نشانه‌ها را برای شما بیان کردیم تا ببیندیشید «حدید، ۱۷»

۱- أَنْ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ^{۳۶}

۲- أَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ^{۳۷}

در نمونه اول، اتَّبَعُوا «پیروی کردند» بیانگر عملی است که مفهوم مسیر حرکت به سمت کنشگر را در خود نهفته است. به عبارتی دیگر، مفهوم حرکت و مسیر به دنبال حق روی می‌دهد. در آیه دوم، مفهوم أَرْسَلَ «فرستادن» تداعی حالتی است که همزمان حرکت و مسیر را در خود فعل «أرسل» بازنمایی می‌کند. لذا می‌توان گفت در هر دو مثال، مفهوم «مسیر + حرکت» همزمان بر روی ریشه فعل انباشت شده است و نیازی به آوردن تابع برای تبیین مسیر حرکت نمی‌باشد.

ب. ۲) انباشت مفهوم حرکت در ریشه فعل، مسیر حرکت در تابع

چنانکه در بخش (۳-۱) ذکر گردید، تابع‌ها عواملی هستند که در تعیین رده‌بندی زبان‌ها از اهمیت زیادی برخوردارند. توابع در زبان‌های تابع‌بنیاد نقش محوری دارند و مفاهیم معنایی مسیر یا شیوه حرکت فعل را بر روی خود انباشت می‌نمایند. در اینجا به نمونه‌ای از افعال قرآنی در آیات زیر توجه نمایید که مفهوم حرکت در آن‌ها در ریشه فعل ولی مسیر حرکت آن‌ها از طریق تابع بازنمایی می‌شود.

۱- إنا لله وإنا إليه راجعون^{۳۸}

۲- فادفعوا إليهم أموالهم...^{۳۹}

در نمونه (۱)، «راجعون» (برگشتن) بیانگر حرکت فعل است و تابع «إليه» به مسیر حرکت فعل، یعنی برگشتن به عقب (حرکت به سوی او) اشاره دارد. در نمونه بعدی، «إدفعوا» (پرداختن) بیانگر انجام حرکت فعل (بدون ذکر مسیر) است. مسیر و جهت حرکت در این فعل از طریق تابع «إليهم» بازنمایی می‌شود. از این دسته افعال می‌توان به افعال «نَظَرَ الی» و مشتقات آن همچون «ینظرون، انظروا و ... الی»، «اذهب الی»، «انبت فی» و مشتقات آن، «کادح الی» اشاره نمود.

در این الگو، مفهوم حرکت از طریق خود فعل، اما مسیر حرکت از طریق تابع بیان می‌شود. به عبارتی دیگر، این مجتمع‌های فعلی، تابع‌بنیاد هستند. در این الگو، از تابع برای بازنمایی مسیرهای مختلفی همچون به طرف بالا، پایین، خارج از زمینه، داخل زمینه و امثالهم استفاده می‌شود.

ج) الگوی (حرکت + پیکر)

مصادق این الگو، در بیشتر زبان‌ها شواهد زیادی ندارد. با این حال فعل‌هایی نیز وجود دارند که تنها جزء حرکت را بیان می‌کنند و اطلاعاتی درباره سایر مفاهیم معنایی همچون مسیر، شیوه و امثالهم ارائه نمی‌دهند. شبیه این الگو را به ندرت در ساختار افعال زبان انگلیسی می‌توان مشاهده کرد. به نمونه‌های زیر توجه نمایید:

1. It's raining.

2. He spat.

در نمونه‌های مذکور، مفهوم دو پیکر (باران باریدن و تف کردن)، همزمان در ریشه فعل «rain» و «spat» انباشت

^{۳۶} مومنان از حقی که از سوی پروردگار آنان است، پیروی می‌کنند «محمد، ۳»

^{۳۷} و بر ضد آنان گروه گروه پرندگانی فرستاد «فیل، ۳»

^{۳۸} ما مملوک خداییم و یقیناً بسوی او باز می‌گردیم «بقره، ۱۵۶»

^{۳۹} اموالشان را به خودشان بدهید «نساء، ۶»

شده‌اند. در چنین افعالی، مفهوم پیکر و حرکت همزمان از طریق یک فعل حرکتی بازنمایی می‌شوند. تالمی (۲۰۰۰: ۵۹) معتقد است در این الگو، ریشه‌های فعلی تمایل دارند تا علاوه بر حرکت اشیاء، نام اشیاء یا اجزاء بدن یا لباس را نیز در ضمن حرکت بازنمایی کنند. زبان آتسوگوی نمونه‌ای از این الگو است. از این دسته افعال می‌توان به «اخسئوا» در زبان قرآن نیز اشاره نمود.

- قَالَ اخْسِئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ^{۴۰}

در این آیه، واژه «اخسئوا» بیانگر پیکر و حرکت فعل می‌باشد؛ یعنی دو مفهوم سگ و گم و گورشدن به صورت همزمان از طریق این واژه بازنمایی و تداعی شده است.

۲.۴. تحلیل شناختی مسیر و جزء حرکتی در افعال قرآنی

فعل‌های حرکتی افعالی هستند که از طریق شیوه‌های گوناگون، مفهوم معنایی حرکت را در زبان‌های مختلف در روستا بر روی خود انباشت می‌کنند. هر رویداد حرکتی علاوه بر جهت (مسیر) حرکت، مفاهیم سه‌گانه آغاز حرکت، طول مسیر و پایان حرکت را معمولاً با خود حمل می‌کند. مسیر و سه مؤلفه فرعی وابسته به آن در زبان‌های مختلف به شیوه‌های متفاوت بازنمایی می‌شوند؛ در زبان‌های تابع‌بنیاد، مانند انگلیسی، این مؤلفه از طریق تابع‌های همراه فعل نشان داده می‌شوند. به نمونه زیر توجه نمایید:

Mary went out of the house across the field to the station.

در این مثال، مفهوم حرکت از طریق فعل «went»، یعنی (رفتن)، و سه فرعی مسیر، یعنی نقطه آغاز «out of»، طول مسیر «across» و نقطه پایان «to» به صورتی گویا بازنمایی شده‌اند. حال به آیتی از قرآن در این راستا توجه نمایید:

۱- اَللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

۲- سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى^{۴۱}

حال به بررسی رویدادهای حرکتی در آیه اول و چگونگی مفهوم‌سازی عناصر حرکتی در این رویداد توجه نمایید: «مؤمنان» پیکر، «ایمان» زمینه انجام رویداد حرکتی، «یخرجهم» فعل حرکتی انتقالی (افقی)، تابع «من» نقطه آغاز حرکت از زمینه «ظلمات»، تابع «إلى» انتهای غایت حرکت و مقدمه ورود به زمینه دیگر، یعنی «نور» است. به شکلی که اهل ایمان با اجرای این رویداد حرکتی از یک محیط ظلمانی خارج شده و پس از طی مسیری افقی به محیطی دیگر (نورانی) وارد می‌شوند.

در اینجا حرکت پیکر، حرکتی واقعی است و جابجایی مؤمنان از محیطی به محیط دیگر و تغییر شرایط آنان مطابق دیدگاه علامه (۱۴۱۷: ۳۴۵) اموری است حقیقی و واقعی، نه از باب مجاز یا استعاره.

۳.۴. مسیر حرکت

مفهوم مسیر حرکت و شیوه بازنمایی آن، در زبان‌های مختلف یکی از مهمترین مؤلفه‌های رویداد حرکت است.

^{۴۰} [خدا] می‌گوید [ای سگان] در دوزخ گم شوید و با من سخن نگویند «مؤمنون، ۱۰۸»

^{۴۱} منزله و پاک است خدایی که شبی بنده اش را از مسجد الحرام به مسجد الاقصی حرکت داد «اسری، ۱»

فرز(۲۰۰۸)، انواع بازنمایی‌های مسیر در زبان‌های مختلف را به صورت زیر فهرست کرده است. در این پژوهش، تعدادی از افعال زبان قرآن بر اساس الگوی فرز، مورد مطالعه قرار می‌گیرند تا تابع یا فعل‌بنیاد بودن آن‌ها، از حیث مسیر نیز مورد ارزیابی قرار گیرد. جهت اختصار، فقط به ذکر چند نمونه در رابطه با هر کدام از مسیرها بسنده می‌شود.

انواع مسیرها:

- ۱- به‌سوی زمینه: جَاءَ (آمدن ۴۲)، اَتَى بِ (آوردن)، سِيقَ اِلَى (سوق دادن بسوی)
 - ۲- دور از زمینه: ذَهَبَ (رفتن)، اَرْسَلَ (فرستادن)، اِخْسَأُوا (دور کردن، راندن)
 - ۳- به‌درون زمینه: اُدْخَلُوا (داخل شدن)، وَاوْدُونَ (وارد شدگان)، اَلْقِيَهُ فِی (انداختن در)، دَخَلُوا عَلٰی (داخل شدن بر)
 - ۴- به‌سمت بیرون از زمینه: خَرَجَ مِنْ (خارج شدن از)، فَرَّتْ مِنْ (فرار کردن از)، یَفْرُوا (فرار می‌کنند)
 - ۵- به‌سمت بالا: اَلِیْهِ یَصْعَدُ (بالا رفتن)، تَعْرَجُ (بالا رفتن)، رَفَعَ (بالا بردن)
 - ۶- به‌سمت پایین: اَنْزَلَ (نازل کردن یا پایین آمدن)، تَسْقَطُ (سقوط کردن)، اِهْبَطُوا (فرود آمدن)
 - ۷- عبور از زمینه: تَجَرَّى فِی (جاری شدن در)، قَذَفَ (انداختن و پرت کردن)، اَسْرَى بِ (شبانه گذر کردن)
 - ۸- نزدیک‌تر به زمینه: تَقَرَّبُوا (نزدیک‌تر شدن)، اَنْ یُحْضِرُونَ (نزد کسی حاضر شدن)، عِنْدَهُ (قرب نزد کسی)
 - ۹- به‌سمت جلو: سَارَعُوا اِلَى (بشتابید)، سَابَقُوا اِلَى (سبقت جوید)
 - به‌سمت عقب: رَجَعُ (به‌عقب برگشتن)، یَنْقَلِبُ عَلٰی عَقِبِهِ (برگشتن به‌عقب)
 - ۱۱- تغییر مسیر: یَتَرَدَّدُونَ (سرگردان در مسیر)، یَتِيهُونَ فِی (سرگردان و بی هدف)، یَعْمَهُونَ (حیران و سرگردان)
 - ۱۲- مسیرهای چندگانه (شروع از یک نقطه): اَحَاطَ بِ (احاطه داشتن)، یَنْتَشِرُوا (منتشر کردن)، بَثَّ فِی (پراکندن در)
 - ۱۳- بازگشت به‌زمینه: رَجَعَ اِلَيْهِ (برگشتن به جایگاه اول)، رَاغَ اِلَى (برگشتن)، رَاذَوْهُ اِلَى (بازگشت به‌سمت)
- در جدول (۱)، اطلاعات مربوط به بازنمود مفاهیم معنایی مؤلفه مسیر و توزیع مسیرهای حرکت از طریق تابع یا در ریشه فعل در مجموعه‌ای از افعال زبان قرآن ارائه شده است.

جدول (۱) بازنمود مفاهیم معنایی مسیر و تفکیک آن‌ها (از طریق تابع یا در ریشه فعل) در افعال قرآنی

| بازنمود مفهوم مسیر در ریشه فعل | تابع | نمونه‌هایی از بازنمود مسیر در ریشه فعل | نمونه‌هایی از بازنمود مسیر در تابع | نمونه‌هایی از تابع‌های مسیرنما | انواع مسیر | ج |
|--------------------------------|------|----------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------|--------------------------------|-------------------|---|
| | | | | | | ۱ |
| + | + | جاء(آمدن) | سیق اِلَى | اِلَى | به‌سوی زمینه | ۱ |
| + | + | ذهب (رفتن) | اَرْسَلَ اِلَى | اِلَى | دور از زمینه | ۲ |
| + | ++ | دخل (داخل شدن) | اَلْقِيَهُ فِی (انداختن به) / دَخَلُوا عَلٰی (داخل شدن بر) | فِی / عَلٰی | به درون زمینه | ۳ |
| + | ++ | یخرج | خَرَجَ مِنْ (خارج شدن از) / یَفْرُوا مِنْ (فرار کردن از) | مِنْ / اِلَى | به بیرون از زمینه | ۴ |
| + | ++ | رفع | اَلِیْهِ یَصْعَدُ (بالا رفتن بسوی) / یَعْرَجُ فِیْهَا (بالا رفتن در آن) | اِلَى / فِی | به سمت بالا | ۵ |
| + | ++ | اِهْبَطُوا | اَنْزَلَ اِلَى (نازل شدن بر) / تَسْقَطُ عَلٰی (فرو ریختن بر) | اِلَى / عَلٰی | به سمت پایین | ۶ |

لازم به ذکر است در اینجا معانی واژگان به شکل مصدری، اما شکل واژگان به همان صورتی که در آیات به کار رفته‌اند، درج می‌شود. جهت خلاصه‌گویی از ثبت صورت کامل آیات پرهیز شده است.

| | | | | | | | |
|----------------------------------------|----------------------|----------|--------------------------------------------------|-----------|---|----|--|
| ۷ | عبور از زمینه | فی / ب | تجری فی (جاری شدن در) أسری ب (شب‌هنگام بردن) | | + | - | |
| ۸ | نزدیک تر به زمینه | إلی | أقرب الیه (نزدیکتر به) | لا تقریبا | + | + | |
| ۹ | به سمت جلو | إلی | سابقوا إلی | فاستبقوا | + | + | |
| | به سمت عقب | علی | ینقلب علی عقبیه (بازگشت به عقب) | - | + | - | |
| ۱۱ | تغییر مسیر | علی / فی | إرندوا علی (بازگشتن به یتیهون فی (سرگردان در) | - | + | - | |
| ۱۲ | مسیرهای چندگانه | فی | ینتثروا / بث فی (پراکندن در) | - | + | - | |
| ۱۳ | بازگشت به زمینه | إلی | رجع إلیه (بازگشت بسوی) | - | + | - | |
| تعداد کل باز نمود مسیر در ریشه یا تابع | | | | | | | |
| ۸ | | | | | | ۱۳ | |

مطابق اطلاعات حاصل از جدول (۱)؛ از مجموع ۱۳ نوع مسیر در ۸ نوع آن، بازنمایی مفهوم مسیر می‌تواند از طریق ریشه فعل صورت گیرد. این در حالی است که در همه موارد، مفاهیم مربوط به بازنمایی مسیر در افعال قرآنی می‌تواند از طریق تابع با مفاهیم مختلف انباشت نماید. براساس اطلاعات جدول می‌توان چنین نتیجه گرفت که افعال زبان قرآنی به سمت تابع بنیاد بودن گرایش بیشتری دارند. به عبارتی دیگر، زبان قرآن از حیث بازنمایی مفهوم مسیر در رده زبان‌های با گرایش تابع بنیاد قرار می‌گیرد.

جدول (۲)، الگوهای حرکتی در افعال زبان قرآن بر مبنای تالمی (۲۰۰۰ الف و ب)

| بازنمود مفهوم مسیر در | | الگوها | |
|-----------------------|------|---------------------------------|------------------|
| ریشه فعل | تابع | | |
| + | + | حرکت+شیوه | حرکت + هم‌رویداد |
| + | + | حرکت+سبب | |
| + | + | مفهوم حرکت و مسیر در ریشه فعل | حرکت + مسیر |
| + | + | مفهوم حرکت در فعل، مسیر در تابع | |
| - | + | الگوی حرکت | حرکت + پیکر |

در جدول (۲)، الگوهای مربوط به رویدادهای حرکتی در افعال زبان قرآن بر اساس آرای تالمی (۲۰۰۰ الف و ب) گردآوری و ثبت شده است. الگوهای (حرکت+ شیوه) و (حرکت + مسیر) دارای بالاترین بسامد در رویدادهای حرکتی در رابطه با افعال زبان قرآن می‌باشند. الگوی (حرکت+پیکر) نسبت به افعال زبان قرآنی دارای کمترین بسامد بوده و در رابطه با بازنمایی مفهوم مسیر از طریق ریشه فعل، کاربرد چندانی ندارد.

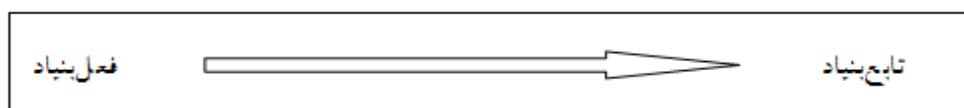
۵. بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش بر مبنای مطالعه و بررسی رویدادهای حرکتی در افعال زبان قرآن از دیدگاه رده‌شناسی شناختی تالمی، صورت گرفت. بر اساس مطالعات انجام شده در رابطه با فعل‌های حرکتی و نحوه بازنمایی مفاهیم معنایی در این زبان،

نتایج زیر حاصل شد:

- ۱- بررسی بازنمود مفاهیم معنایی مسیر در رویدادهای حرکتی (جدول ۱)، نشان می‌دهد که بازنمود این مفهوم از طریق تابع، دارای بسامد بیشتری می‌باشد.
- ۲- مطابق جدول شماره (۲)، مهمترین الگوها به ترتیب شامل الگوی (حرکت + شیوه) و (حرکت + مسیر) می‌باشد. سایر الگوها از درجه اهمیت کمتری برخوردارند.
- ۳- الگوی (حرکت + مسیر) به دو صورت رخ می‌دهد:
الف) انباشت مفهوم حرکت و مسیر در ریشه فعل؛
ب) الگوی حرکت در ریشه فعل و مسیر در تابع.
- ۴- الگوی (حرکت + هم‌رویداد) به دو شکل (حرکت + شیوه) و (حرکت + سبب) برای بازنمایی رویدادهای قرآنی به کار می‌رود.
- ۵- الگوی (حرکت + پیکر) دارای اهمیت کمتری است. این الگو فقط در رابطه با بازنمایی مفهوم مسیر در تابع آن هم به صورت محدود کارایی دارد.

خلاصه، نتایج نهایی حاصل از جدول‌ها، الگوها و بررسی افعال این پژوهش نشان می‌دهد که افعال حرکتی در زبان قرآن به سمت تابع بنیاد بودن گرایش بیشتری دارند. همچنین برای بازنمایی مفهوم مسیر، نقش تابع نسبت به ریشه فعل از اهمیت بیشتری برخوردار است. این نتیجه‌گیری، بر مبنای گرایش اصلی و پربسامد الگوها و نحوه بازنمود مفاهیم معنایی مسیر، در رابطه با افعال زبان قرآن صورت گرفت. بر این اساس می‌توان چنین نتیجه گرفت که فرضیه تالمی در رابطه با افعال زبان قرآن نیز پاسخگو می‌باشد. رویدادهای حرکتی در افعال زبان قرآن بر روی پیوستار (فعل- بنیاد / تابع بنیاد) قرار داد که بعد تابع بنیاد بودن آن، برجسته‌تر است. نمودار زیر به وضوح گویای این حقیقت است که نقش توابع در تعیین نوع، شیوه حرکت و تشخیص معنا در رده‌شناسی شناختی رویدادهای حرکتی در زبان قرآن نقش مهمتری دارند.



۶. منابع

۱. ابن منظور، محمد بن کرم (۱۴۱۴ ق) لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم
۲. دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲) رده‌شناسی زبانهای ایرانی. تهران: سمت
۳. روشن، بلقیس، اردبیلی، لیلا (۱۳۷۷) مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی. تهران: نشر علم
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق) المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالعلم - الدارالشامیه، چاپ اول
۵. سیدان، احمد (۱۳۹۷) "بررسی افعال حرکتی در شرح شطحیات روزبهان با رویکردی شناختی". فصلنامه متن ادب فارسی. سال پنجاه و پنجم، دوره جدید، سال یازدهم. شماره اول (پیاپی ۱۴). صص ۱۰۹-۱۲۵.

۶. شاه‌حسینی، فائقه (۱۳۹۶) بررسی تطبیقی فعل در زبان‌های فارسی میانه و نواز دیدگاه رده‌شناسی شناختی. رساله دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور.
۷. صفوی، کوروش (۱۳۸۴) درآمدی بر معنی‌شناسی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی. پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی
۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق) المیزان فی تفسیرالقرآن، قم: جامعه مدرسین، چاپ پنجم
۹. طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۳۷۲) مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن، به کوشش محمدجواد بلاغی، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم
۱۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). کتاب العین، قم: هجرت، چاپ دوم
۱۱. قرآن کریم با ترجمه مهدی فولادوند، نرم افزار quran.innoor.ir
۱۲. مسگرخویی، مریم (۱۳۹۲) "بازنمودمسیر در افعال حرکتی فارسی". ویژه‌نامه فرهنگستان، دستور، ش ۹، ۷۴-۹۲
13. Comrie, B.(1976) . Aspect.Cambridge: Cambridge University Press.
14. ____ (1989) .Language universals and linguistic typology. Oxford: Basil Blackwell.
15. Cook, V. (1988) . Chomsky's Universal Grammar. Oxford, England: Basil Blackwell.
16. Croft, W. (1990) .Typology and universals. Cambridge: Cambridge University Press.
17. ____ (1995) Modern Syntactic Typology. In M. Shibatani and T. Bynon (Eds.), pp.85-144.
18. Croft, W. and D.A. Cruse) 2003) .Cognitive Linguistics. Cambridge: Cambridge University Press.
19. Dixon, R.M.W. (1979) . Ergativity.Language 55: 59-138.
20. Evans, V. and M. Green) 2006) . Cognitive Linguistics. Edinburgh: Edinburgh University Press.
21. Talmy, L. (1972) . Semantic Structures in English and Atsugewi.Doctoral dissertation, University of California, Berkeley.
22. _____. (2000a) Toward a CognitiveSemantics. Vol. 1. Cambridge: MIT press.
23. _____.(2000b) Toward a Cognitive Semantics. Vol. 2.Cambridge MIT press.
24. _____.(2007) Lexical Typologies. In: Shopen, T.(ED.) ,language Typology and Syntactic Universals (Vol.3) 2nd edition (pp. 66 –169) Cambridge University press
25. _____. (2008) . Main verb properties and equipollent framing. In: Guo, Jian-Sheng,et. al. eds. Crosslinguistic Approaches to thePsychology of 29 Language: Research in the
- 26.Tradition ofDan Isaac Slobin. Lawrence Erlbaum Associates.
26. _____. (2012) . Main Verb Properties. International Journal of Cognitive.